

یادداشت هادی اسماعیلی

اقتصاد هنوز به‌هکار تراز تجاری است

بهبود تراز تجاری را نمی‌توان به‌عنوان یک هدف مستقل در سیاست‌گذاری اقتصادی تعریف کرد، زیرا این شاخص بیش از آنکه متغیری قابل مدیریت باشد، برآیند عملکرد هم‌زمان بخش‌های تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری، نظام ارزی و محیط کسب‌وکار است. از این منظر، تغییر در تراز تجاری، پیش از آنکه به سیاست‌های تجاری وابسته باشد، به کیفیت سیاست‌های اقتصادی بستگی دارد. اقتصادی که در آن تولید از مزیت رقابتی برخوردار نباشد، با هزینه‌های مبادله بالا باشد و افق تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی تحت تأثیر بی‌ثباتی قرار گیرد، حتی در صورت افزایش مقطعی صادرات نیز قادر نخواهد بود تراز تجاری خود را به‌صورت پایدار بهبود بخشد. بر همین اساس، رشد تراز تجاری را باید نتیجه افزایش توان رقابت اقتصاد و نه صرفاً پیامد رشد ارزش صادرات یا محدود شدن واردات دانست.

به قاعده تجربه می‌شود گفت که افزایش سهم یک کشور از تجارت جهانی، پیش از هر چیز به‌ از تقای ظرفیت تولید وابسته است و تولید نیز زمانی می‌تواند در بازارهای خارجی جایگاه پیدا کند که از نظر قیمت، کیفیت، استاندارد و استمرار عرضه، توان رقابت با سایر عرضه‌کنندگان را داشته باشد. لذا در چنین شرایطی، صادرات دیگر یک متغیر وابسته به نوسانات کوتاه‌مدت نیست، بلکه به بخشی از ساختار اقتصاد تبدیل می‌شود. از این رو، هر سیاستی که بهره‌وری تولید را افزایش و هزینه تمام‌شده را کاهش دهد و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت نوآوری سوق دهد، در نهایت آثار خود را در تجارت خارجی و تراز تجاری نیز نشان خواهد داد.

در مقابل، تمرکز صرف بر متغیرهای تجاری، بدون توجه به بنیان‌های تولید، معمولاً نتایجی محدود و ناپایدار به همراه دارد و ممکن است در مقطعی ارزش صادرات افزایش یابد یا حجم واردات کاهش پیدا کند، اما اگر این تغییرات بر پایه رشد واقعی تولید و گسترش مزیت‌های رقابتی شکل نگرفته باشد، با تغییر شرایط اقتصادی یا تحولات بازارهای بین‌المللی به سرعت اثر خود را از دست خواهد داد و به همین دلیل، تراز تجاری را نمی‌توان صرفاً با اعداد صادرات و واردات تحلیل کرد، بلکه باید آن را در چارچوب عملکرد کلی اقتصاد مورد ارزیابی قرار داد.



در این میان، محیط کسب‌وکار نقش‌ی تعیین‌کننده در شکل‌گیری ظرفیت‌های صادراتی دارد و سرمایه‌گذاری در توسعه خطوط تولید، ورود به بازارهای جدید و انعقاد قراردادهای بلندمدت تجاری، مستلزم آن است که فعال اقتصادی بتواند آینده فعالیت خود را با درجه‌ای قابل قبول از اطمینان پیش‌بینی کند و طبعاً هر چه فضای اقتصادی از ثبات بیشتری برخوردار باشد، هزینه تصمیم‌گیری کاهش می‌یابد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت افزایش پیدا می‌کند. برعکس، تغییرات مکرر در سیاست‌های اقتصادی، فرآیند تصمیم‌گیری را بر هزینه کرده و ریسک فعالیت‌های تولیدی و صادراتی را افزایش می‌دهد که در نهایت بر توان رقابتی اقتصاد اثر منفی خواهد گذاشت.

از سوی دیگر، توسعه صادرات فقط به توان تولید محدود نمی‌شود، چراکه بخش قابل توجهی از رقابت‌پذیری کالاها به کیفیت‌تیرساخت‌های تجاری وابسته است و شبکه حمل‌ونقل، خدمات لجستیکی، فرآیندهای گمرکی، دسترسی به خدمات مالی، نظام بیمه و سرعت انجام تشریفات تجاری، همگی بخشی از هزینه نهایی صادرات را تشکیل می‌دهند و بهبود در این حوزه‌ها، بدون آنکه تغییری در فرآیند تولید ایجاد کند، می‌تواند قدرت رقابت صادرکنندگان را افزایش دهد. به همین دلیل، در بسیاری از کشورها اصلاح زیرساخت‌های تجارت خارجی به اندازه حمایت از تولید، در ارتقای تراز تجاری اهمیت یافته است. همچنین، ترکیب صادرات از منظر ارزش افزوده نیز نباید نادیده گرفته شود. زب افزایش صادرات کالاهایی که سهم بیشتری از فرآیند تولید آنها در داخل کشور شکل گرفته است، آثار اقتصادی متفاوتی نسبت به صادرات مواد خام یا کالاهای با فرآوری محدود دارد و توسعه زیرساخت‌های ارزش، تکمیل صنایع پایین‌دستی و حرکت به سمت تولید محصولات با فناوری بالاتر، ضمن افزایش درآمدهای ارزی، ظرفیت اقتصاد را برای ایجاد اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری نیز تقویت می‌کند. بنابراین، کیفیت صادرات به همان اندازه کمیت آن در ارزیابی عملکرد تجارت خارجی اهمیت دارد.

در کنار این عوامل، دسترسی پایدار به بازارهای هدف نیز یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد تجارت خارجی محسوب می‌شود و حضور در بازارهای بین‌المللی نیازمنداستمرار عرضه، شناخت نیازهای مشتریان، حفظ استانداردهای کیفی و بهره‌گیری از ظرفیت توافق‌های تجاری است. به همین دلیل، دیپلماسی اقتصادی را باید مکمل سیاست‌های تولیدی و تجاری دانست و هر چه تعاملات اقتصادی با کشورهای هدف از انسجام بیشتری برخوردار باشد، امکان توسعه صادرات نیز افزایش خواهد یافت.

در نهایت، تراز تجاری را باید شاخصی دانست که بیش از آنکه وضعیت تجارت خارجی را به‌تنهایی توضیح دهد، کیفیت حکمرانی اقتصادی را بازتاب می‌دهد و بهبود این شاخص زمانی پایدار خواهد بود که رشد صادرات بر پایه افزایش بهره‌وری، ارتقای رقابت‌پذیری، توسعه زیرساخت‌های تجاری و ثبات محیط اقتصادی شکل گرفته باشد. در چنین شرایطی، افزایش درآمدهای ارزی، تقویت تولید، گسترش سرمایه‌گذاری و بهبود اشتغال، نه پیامدهای مستقل، بلکه حلقه‌های بهم‌پیوسته یک فرآیند خواهند بود که در نهایت خود را در تراز تجاری نیز نشان می‌دهد. از این منظر، هر سیاستی که به ارتقای توان رقابتی اقتصاد بینجامد، به همان نسبت ظرفیت کشور را برای دستیابی به تراز تجاری پایدار و رشد اقتصادی ماندگار افزایش خواهد داد.

گزارش یک زینب زرین

کاشت یکپارچه‌سازی اراضی بدون «داشت» مردم محکوم به شکست است

اگر قرار است یکپارچه‌سازی اراضی به افزایش بهره‌وری و تقویت امنیت غذایی منجر شود، این سیاست نباید فقط به «کاشت» یک ایده محدود بماند و همان‌گونه که در کشاورزی، فاصله میان کاشت تا برداشت با مرحله «داشت» و مراقبت از محصول طی می‌شود، موفقیت این برنامه نیز در گرو حفظ مشارکت و اعتماد کشاورزان است، زیرا زمین، علاوه بر آنکه سرمایه تولید به شمار می‌رود، بخشی از دارایی و هویت بهره‌برداران است و قاعدتاً هر برنامه‌ای که بدون اقتاع، حمایت و تضمین حقوق مالکانه پیش برود، پیش از آنکه به برداشت برسد، در مرحله «داشت» با چالش مواجه خواهد شد.

مسئولان سازمان امور اراضی کشور از یکپارچه‌سازی اراضی به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر برای تقویت امنیت غذایی نام برده و زنجار را به دلیل اجرای موفق برخی طرح‌های تجمیع اراضی، الگویی برای سایر استان‌ها دانسته‌اند. هرچند این اظهارات در ظاهر به یک برنامه اجرایی در بخش کشاورزی اشاره دارد، اما در واقع موضوعی فراتر از مدیریت زمین را پیش روی سیاستگذاران قرار می‌دهد مبنی بر اینکه آیا می‌توان بدون اصلاح ساختار بهره‌برداری از اراضی، از افزایش بهره‌وری، کاهش مصرف آب و پایداری تولید سخن گفت؟

از نسویی خردشدگی اراضی یکی از مهم‌ترین موانع توسعه کشاورزی است و تقسیم مکرر زمین‌ها در نتیجه انتقال مالکیت میان وراث، موجب شده است بخش قابل توجهی از اراضی کشاورزی در قالب قطعات کوچک و پراکنده اداره شوند که نه تنها هزینه تولید را افزایش داده، بلکه استفاده از ماشین‌آلات، توسعه سامانه‌های آبیاری، اجرای الگوی کشت و مدیریت علمی مزرعه را نیز با محدودیت مواجه کرده است. بنابراین حتی سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید نیز نمی‌تواند همه ظرفیت خود را آشکار کند، زیرا ساختار زمین با الزامات کشاورزی امروز همخوانی ندارد.

به همین دلیل موضوع تجمیع و یکپارچه‌سازی اراضی همواره به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلاح ساختار تولید مطرح بوده است و البته هدف این سیاست، سلب مالکیت یا تغییر حقوق بهره‌برداران نیست، بلکه ایجاد شرایطی است که قطعات پراکنده بتوانند در قالب یک مدیریت هماهنگ، از مزایای مقیاس اقتصادی، مکانیزاسیون و مدیریت بهینه منابع بهره‌مند شوند، چراکه هر جا اراضی کشاورزی از حالت خرد و پراکنده خارج شده‌اند، زمینه برای افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید و استفاده مؤثرتر از منابع فراهم شده است.

اقتصاد

سرویس اقتصادی۶۰۰۸۸۵۳۳

گره امنیت غذایی با یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی باز می‌شود؟



با این حال، موفقیت چنین سیاستی فقط به مزیت‌های فنی و اقتصادی آن وابسته نیست، چون زمین برای کشاورز صرفاً یک عامل تولید نیست که بتوان درباره آن فقط با محاسبات اقتصادی تصمیم گرفت. فراتر از آن، زمین، مهم‌ترین دارایی یک خانوار روستایی، پشتوانه معیشت، میراث خانوادگی و در بسیاری موارد، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که امنیت اقتصادی نسل‌های آینده را نداشته باشد یا منافع اقتصادی این تغییر را به روشنی احساس نکند. طبیعی است که نسبت به مشارکت در چنین تندی یا تردید بی‌مورد نخواهد شد.

نکته قابل توجه آن است که قوانین و مقررات موجود نیز بر همین واقعیت تأکید دارند و در چارچوب سیاست‌های مرتبط با یکپارچه‌سازی اراضی، حفظ مالکیت اشخاص و اجرای طرح با مشارکت و رضایت بهره‌برداران مورد توجه قرار گرفته است و این رویکرد نشان می‌دهد هدف، حذف مالکیت‌های خرد نیست، بلکه ساماندهی شیوه بهره‌برداری از اراضی است. با وجود این، مبدی‌ن پیش‌بینی‌های قانونی از آنچه در میدان یکپارچه‌سازی دیگر به‌عنوان مداخله در مالکیت تلقی نمی‌شود، بلکه به فرضی برای افزایش درآمد، کاهش

با این حال، موفقیت چنین سیاستی فقط به مزیت‌های فنی و اقتصادی آن وابسته نیست، چون زمین برای کشاورز صرفاً یک عامل تولید نیست که بتوان درباره آن فقط با محاسبات اقتصادی تصمیم گرفت. فراتر از آن، زمین، مهم‌ترین دارایی یک خانوار روستایی، پشتوانه معیشت، میراث خانوادگی و در بسیاری موارد، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که امنیت اقتصادی نسل‌های آینده را نداشته باشد یا منافع اقتصادی این تغییر را به روشنی احساس نکند. طبیعی است که نسبت به مشارکت در چنین تندی یا تردید بی‌مورد نخواهد شد.

نکته قابل توجه آن است که قوانین و مقررات موجود نیز بر همین واقعیت تأکید دارند و در چارچوب سیاست‌های مرتبط با یکپارچه‌سازی اراضی، حفظ مالکیت اشخاص و اجرای طرح با مشارکت و رضایت بهره‌برداران مورد توجه قرار گرفته است و این رویکرد نشان می‌دهد هدف، حذف مالکیت‌های خرد نیست، بلکه ساماندهی شیوه بهره‌برداری از اراضی است. با وجود این، مبدی‌ن پیش‌بینی‌های قانونی از آنچه در میدان یکپارچه‌سازی دیگر به‌عنوان مداخله در مالکیت تلقی نمی‌شود، بلکه به فرضی برای افزایش درآمد، کاهش

هزینه‌ها و پایداری فعالیت کشاورزی تبدیل خواهد شد.

بهروری مستلزم ذی‌نفع بودن کشاورزان است

از دیگر سو، افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی، صرفاً با بزرگ‌تر شدن قطعات زمین محقق نمی‌شود و از قضا یکپارچه‌سازی زمانی به نتیجه خواهد رسید که در کنار اصلاح ساختار اراضی، مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل نیز به اجرا درآید. دسترسی به ماشین‌آلات مناسب، توسعه سامانه‌های نوین آبیاری، تأمین مالی، آموزش بهره‌برداران، توسعه خدمات فنی و ترویجی و ایجاد بازارهای مطمئن برای فروش محصولات، حلقه‌هایی هستند که در کنار یکدیگر می‌توانند بهره‌وری را افزایش دهند و قاعدتاً حذف یا تضعیف هر یک از این حلقه‌ها، اثربخشی سایر اقدامات را نیز کاهش خواهد داد.

همچنین نباید از تفاوت شرایط مناطق مختلف کشور غافل شد، چراکه الگوی موفق یکپارچه‌سازی در یک استان، لزوماً با همان شیوه در استان دیگر قابل اجرا نیست و تفاوت در الگوی مالکیت، منابع آب، نوع محصولات، ساختار اجتماعی روستاها و حتی

گزارش ۲ حسام کمالی

با ابلاغ دستورالعمل جدید، ضوابط پیش از اعمال محدودیت‌ها دوباره اجرا می‌شود

پایان محدودیت صادرات محصولات شیمیایی، پلیمری و پتروشیمی

الزامات قانونی نیست، بلکه صرفاً چارچوب‌های ویژه‌ای که در دوره محدودیت‌ها اعمال شده بود. کنار گذاشته شده و فرآیند صادرات بار دیگر بر پایه مقررات جاری پتروشیمی را لغو و اعلام کرد از خواهد شد. هم‌زمان، گمرک جمهوری اسلامی ایران از، گمرکات اجرایی خواسته است تمامی تشریفات مربوط به صادرات این محصولات را بر اساس ضوابط ابلاغی دنبال کنند تا رویه واحدی در اجرای مقررات در سراسر کشور برقرار باشد که به باور کارشناسان، این موضوع می‌تواند از بروز برداشت‌های متفاوت در فرآیندهای اجرایی جلوگیری کرده و هماهنگی بیشتری میان واحدهای اجرایی ایجاد کند.

جایگاه صادرات محصولات شیمیایی و پتروشیمی

محصولات شیمیایی، پلیمری و پتروشیمی از مهم‌ترین اقلام صادراتی کشورمان به شمار می‌روند و همواره سهم قابل توجهی در تجارت خارجی و صادرات غیرنفتی کشور داشته‌اند و از طرفی بخش قابل توجهی از تولید واحدهای صنعتی این حوزه علاوه بر تأمین نیاز بازار داخلی، برای حضور در بازارهای صادراتی برنامه‌ریزی می‌شود و استمرار صادرات در این بخش از منظر حفظ بازارهای هدف، تداوم فعالیت واحدهای تولیدی و مدیریت زنجیره تأمین اهمیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، بازگشت صادرات این محصولات به رونال معمول می‌تواند امکان اجرای برنامه‌های صادراتی شرکت‌ها را مطابق قراردادهای تجاری فراهم کند و فرآیند ارسال کالا از مبادی گمرکی را نیز به وضعیت عادی بازگرداند.



بازگشت به ضوابط معمول صادرات

آنچه در این ابلاغیه پیش از هر نکته دیگری مورد توجه قرار گرفته، بازگشت مبنای انجام صادرات به مقررات پیش از اعمال محدودیت‌هاست. به بیان دیگر، از این پس صادرکنندگان برای انجام صادرات محصولات شیمیایی، پلیمری و پتروشیمی باید همان ضوابط و الزامات عمومی مهیی از تولید واحدهای صنعتی فعال در این حوزه را هدف مدیرت این بازارها فقط به میزان تولید وابسته نیست، حضور در بازارهای خارجی برنامه‌ریزی می‌شود. از همین رو، بازگشت فرآیند صادرات به رویه‌های معمول، امکان برنامه‌ریزی مجدد برای تولید، حمل، عقد قراردادهای صادراتی و انجام تشریفات گمرکی را برای فعالان این بخش فراهم می‌کند.

گمرک جمهوری اسلامی ایران با ابلاغ دستورالعملی، بخشنامه‌های مربوط به محدودیت صادرات محصولات شیمیایی، پلیمری و پتروشیمی را لغو و اعلام کرد از این پس صادرات این گروه از کالاها با رعایت ضوابط و مقررات جاری و بر اساس رویه‌های پیش از اعمال محدودیت‌ها انجام می‌شود. در حالی که ضوابط صادرات برخی اقلام از جمله پیه صنعتی و اسید سولفونیک همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

با ابلاغ دستورالعمل جدید گمرک جمهوری اسلامی ایران، محدودیت‌های اعمال شده بر صادرات محصولات شیمیایی، پلیمری و پتروشیمی لغو شد و از این پس صادرات این گروه از کالاها مطابق ضوابط و مقررات جاری و بر اساس رویه‌های پیش از اعمال محدودیت‌ها انجام خواهد شد که ضمن بازگرداندن فرآیندهای صادراتی به رونال معمول، مسیر فعالیت تولیدکنندگان و صادرکنندگان این حوزه را نیز به چارچوب‌های پیشین بازمی‌گرداند. بر اساس دستورالعمل ابلاغی، تمامی بخشنامه‌هایی که در دوره اعمال محدودیت‌های موقت برای صادرات محصولات شیمیایی، پلیمری و پتروشیمی صادر شده بود، از درجه اعتبار خارج شده و گمرکات اجرایی موظف شده‌اند تشریفات دنبال این محصولات را مطابق ضوابط عمومی صادرات انجام کنند. همچنین در متن ابلاغیه تأکید شده است که صادرات کالاهای مشمول، با رعایت تمامی الزامات قانونی، مقررات گمرکی و ضوابط جاری امکان‌پذیر است و فقط مقررات مربوط به

نکته

عجز وزارت جهاد در مدیریت بازار تخم‌مرغ

که کوچک‌ترین کاهش در عرضه جاری می‌تواند واکنش قیمتی شش‌دی‌ای ایجاد کند و دلیل آن هم این است که

صرف‌کننده امکان جایگزینی با به تعویق انداختن خرید را ندارد و فروشنده نیز برای حفظ موجودی، قیمت را متناسب با شرایط جدید تنظیم می‌کند. به همین دلیل، مدیریت این بازارها شده بر میزان تولید وابسته نیست، بلکه به کیفیت ارتباط میان تولیدکننده، شبکه حمل‌ونقل، عمده‌فروش و خرده‌فروش بستگی دارد. در ماجرای اخیر نیز تعطیلی چندروزه باعث شد جریان انتقال تخم‌مرغ از واحدهای تولیدی به بازار کاهش پیدا کند و این اتفاق اگرچه کم‌تأمدت بود، اما اثر آن در قیمت‌ها نمایان شد و همین مسئله یک‌لپه‌ام به‌وجودمی‌دارد که چرابازاری که از ظرفیت تولید کافی برخوردار است، در برابر یک وقفه موقت چنین واکنشی نشان می‌دهد؟

شاید بشود پاسخ را در ضعف سازوکارهای تنظیم بازار جست‌وجو کرد، زیرا، از اقتصادی که برای تأمین کالاهای ضروری به پایداری نیاز دارد، نمی‌تواند فقط به استمرار شرایط عادی وابسته باشد. بنابراین تعطیلی، اختلال حمل‌ونقل، نوسان هزینه‌های تولید یا تغییرات ناگهانی در تقاضا، بخشی از واقعیت هر بازار است و سیاستگذار باید برای این شرایط، ابزارهای پیش‌بینی و کنترل داشته باشد؛ نه اینکه پس از افزایش قیمت، فقط به افزایش عرضه و وعده بازگشت قیمت‌ها اکتفا کند. البته کاهش دوباره قیمت‌ها پس از افزایش عرضه، یک نکته مهم را هم یادآوری می‌کند که بازار با کمبود ساختاری مواجه نبوده است، اما همین موضوع، ضعف دیگری را برجسته کرد و وقتی یک بازار از نظر

واکنشی نشان می‌دهد؟ شاید بشود پاسخ را در ضعف سازوکارهای تنظیم بازار جست‌وجو کرد، زیرا، از اقتصادی که برای تأمین کالاهای ضروری به پایداری نیاز دارد، نمی‌تواند فقط به استمرار شرایط عادی وابسته باشد. بنابراین تعطیلی، اختلال حمل‌ونقل، نوسان هزینه‌های تولید یا تغییرات ناگهانی در تقاضا، بخشی از واقعیت هر بازار است و سیاستگذار باید برای این شرایط، ابزارهای پیش‌بینی و کنترل داشته باشد؛ نه اینکه پس از افزایش قیمت، فقط به افزایش عرضه و وعده بازگشت قیمت‌ها اکتفا کند. البته کاهش دوباره قیمت‌ها پس از افزایش عرضه، یک نکته مهم را هم یادآوری می‌کند که بازار با کمبود ساختاری مواجه نبوده است، اما همین موضوع، ضعف دیگری را برجسته کرد و وقتی یک بازار از نظر

تولید در وضعیت مناسب قرار دارد، انتظار می‌رود سازوکار توزیع نیز به همان اندازه توانمند باشد. پس خودکفایی وقتی برای مصرف‌کننده اهمیت دارد که محصول با ثبات قیمتی و بدون شوک‌های ناگهانی به دست او برسد. همچنین سیاست‌های بخش کشاورزی عمدتاً بر افزایش تولید و تأمین نهاده‌ها متمرکز است که اهمیت آن قابل انکار نیست، اما تجربه بازار تخم‌مرغ نشان می‌دهد مرحله پس از تولید نیز به همان اندازه اهمیت دارد و اگر شبکه توزیع، ذخیره‌سازی و مدیریت عرضه تقویت نشود، دستاورد تولیدی نمی‌تواند به کاهش فشار بر مصرف‌کننده منجر شود. از سوی دیگر، بازار کالاهای اساسی نیازمند نگاه زنجیره‌ای است و تولیدکننده نباید فقط حلقه مورد توجه باشد و مصرف‌کننده نیز نباید آخرین بخش این زنجیره

درد

کاشت یک سیاست، آغاز راه است و آنچه یکپارچه‌سازی اراضی را به ثمر می‌رساند، «داشت» اعتماد، حفظ حقوق مالکانه و مشارکت واقعی کشاورزانی است که قرار است نخستین بهره‌برداران این تحول باشند

پیشینه همکاری میان بهره‌برداران، ایجاب می‌کند که اجرای این سیاست با انعطاف، شناخت محلی و پرهیز از نسخه‌های واحد همراه باشد و سیاستی که ویژگی‌های بومی را نادیده بگیرد، هرچند بر مبنای کارشناسی استوار باشد، در مرحله اجرا با دشواری روبه‌رو خواهد شد.

ضمناً نباید فراموش کرد که کشاورزان زمانی وارد یک برنامه مشارکتی می‌شوند که منفعت آن را در زندگی روزمره خود ببینند و اگر کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد، صرفه‌جویی در مصرف آب و دسترسی آسان‌تر به خدمات، به‌صورت ملموس برای بهره‌بردار قابل مشاهده باشد، همراهی با چنین طرحی به انتخابی عقلانی تبدیل خواهد شد، اما اگر بار اصلی تغییر بر دوش کشاورز قرار گیرد و منافع آن در هاله‌ای از ابهام باقی بماند، طبیعی است که انگیزه‌ای برای مشارکت شکل نگیرد.

در این میان، نقش دولت بیش از آنکه در اجرای مستقیم طرح‌ها تعریف شود، در فراهم کردن بسترهای حقوقی، مالی و نهادی برای شکل‌گیری مشارکت اهمیت پیدا می‌کند و اعتماد نیز با بخشنامه ایجاد نمی‌شود و بدیهی است اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که بهره‌بردار از ثبات تصمیم‌ها، اجرای تعهدات و حمایت مستمر اطمینان پیدا کند. از این منظر، یکپارچه‌سازی اراضی پیش از آنکه یک پروژه عمرانی یا اداری باشد، فرآیندی اجتماعی و اقتصادی است که موفقیت آن به کیفیت رابطه میان سیاستگذار و بهره‌بردار وابسته است.

بنابراین اگر امنیت غذایی را به‌عنوان یکی از ارکان تاب‌آوری اقتصادی کشور بپذیریم، اصلاح ساختار اراضی نیز باید بخشی از همین تشریفات تلقی شود و افزایش تولید در شرایط محدودیت منابع آب، بدون ارتقای بهره‌وری امکان‌پذیر نیست و ارتقای بهره‌وری نیز در بسیاری از مناطق، با تداوم پراکندگی اراضی سازگار نخواهد بود. از این منظر، یکپارچه‌سازی نه یک هدف مستقل، بلکه ابزاری برای افزایش کارایی، کاهش اتلاف منابع و پایداری تولید است.